

در گذشتگان

صفای حایری



حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی صفای حایری، از و اساتید حوزه علمیه قم به شمار می رفت. فقیه سعید در دوم مرداد سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ق) در قم زاده شد. پدرش مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس صفای (۱۳۲۲-۱۳۹۸ق)، مؤلف تاریخ مجاهدات پیامبر اکرم، تاریخ امیر المؤمنین و تاریخ امام حسین (ع) و نیای بزرگوارش مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی حایری قمی (۱۲۹۹-۱۳۵۸ق) از بزرگان علمای قم و اساتید مشهور حوزه علمیه و از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی و ... بود.

۱۲ ساله بود که به فراگیری علوم دینی روی آورد و ادبیات و سطوح را نزد پدر بزرگوارش و مرحوم آقای حاج شیخ نصرت الله بناروانی میانجی، و رسائل و مکاسب و کفایه را در محضر آیت الله سید

مهدی روحانی و آیت الله فاضل لنکرانی و پدرش آموخت. پس از آن به یادگیری خارج فقه و اصول نزد پدر دانشمندش و تألیف و تبلیغ دین و تدریس سطوح پرداخت و از آنجا که دارای هوشی سرشار و حافظه ای قوی بود، در زمانی اندک گوی سبقت از همگان ربود و موفق شد با سن کم خویش، آثاری ارزشمند و تأثیر گذار و انسان ساز از خود به یادگار گذارد؛ همچون: مسؤلیت و سازندگی، تطهیر با جاری قرآن و انسان در دو فصل. وی توفیق یافت گروهی از طلاب و فضایی حوزه را با مکتب تربیتی وحی آشنا سازد و در درس های تفسیر خویش، پیام قرآن را به عمق جان های تشنه آنان برساند و ایشان را از سرچشمه زلال قرآن سیراب سازد. وی بر تفکر به عنوان نقطه شروع دین تأکید می ورزید و بر کرامت و قدر انسان، اهمیت می داد.

از ویژگی هایش تواضع و فروتنی فراوان، رسیدگی به حال شاگردان خویش و زهد و عدم دلبستگی به دنیا و تهجد و گریه های نیمه شب بود. در خانه اش از بام تا شام به روی واردین و میهمان هایش باز بود و از آنان با کمال خوشرویی و ملاحظت استقبال می نمود. اوّل هر ماه و دهه آخر ماه مبارک رمضان به زیارت حرم مطهر حضرت رضا (ع) مشرف می شد و چند روزی اقامت می نمود. روزش را به تألیف و تحقیق و تدریس می گذرانید و از

این رهگذر توانست شاگردان بسیاری را پرورش دهد و آنان را با فنون نویسندگی و تدریس آشنا سازد. او به انقلاب اسلامی عشق می ورزید و نخستین فرزندش (محمد) را برای حمایت از دین و احیای حق، تقدیم انقلاب نمود.

برخی از تألیفات چاپ شده معظم له عبارتند از:

- ۱- انسان در دو فصل (پیش و پس از بلوغ).
- ۲- مسؤلیت و سازندگی (۲ج).
- ۳- روش برداشت از قرآن (تفسیر و توضیح سوره «ص»).
- ۴- تطهیر با جاری قرآن (۶ج) تفسیر جزء ۳۰ قرآن.
- ۵- دیداری تازه با قرآن (۲ج).
- ۶- بشنو از نی (شرح دعای ابو حمزه ثمالی).
- ۷- روش نقد (۵ج)، نقد مکاتب مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و آزادی).
- ۸- ذهنیت و زاویه دید (نقد ادبیات داستانی).
- ۹- بررسی (نقد مارکسیسم).
- ۱۰- استاد و درس (۲ج)، روش تدریس، ادبیات و هنر و نقد).
- ۱۱- عاشورا.
- ۱۲- غدیر.
- ۱۳- ای قامت بلند امامت (خطاب به حضرت ولی عصر علیه السلام).

- ۱۴- از زلال ولایت (۴۰ حدیث امام حسین علیه السلام).
 ۱۵- فقر.
 ۱۶- انفاق.
 ۱۷- درس هایی از انقلاب (۱۲ دفتر).
 ۱۸- پاسخ به پیام نهضت آزادی.
 ۱۹- و با او با نگاه فریاد می کردیم (مجموعه شعر).



آیه الله روحانی

آیه الله حاج شیخ هادی روحانی، از علمای مشهور مازندران به سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۲ ش) در روستای کله بست - از توابع بابلسر - در خانواده ای متدین چشم به جهان گشود. در پنج سالگی پدرش را از دست داد و در هفت سالگی، خواندن و نوشتن را بیاموخت و پس از گذراندن دوره ابتدایی، بر اثر فشار زندگی از ادامه تحصیل بازماند و در کار کشاورزی، به کمک مادرش شتافت. در ۱۸ سالگی (۱۳۶۰ ق) همزمان با سرنگونی رضاخان پهلوی و رونق دوباره حوزه های علمیه، به تحصیل علوم دینی در شهرستان بابل پرداخت. سپس در ۱۳۶۳ ق (۱۳۲۳ ش) به حوزه علمیه قم آمد و مدتی اقامت گزید و در سال ۱۳۲۵ ش. به مشهد مقدس رفت و ادبیات و سطوح را نزد حضرات آیات: میرزا محمدتقی ادیب نیشابوری، حاج سید احمد مدرس یزدی و میرزا جواد آقا تهرانی در مدت چهار سال آموخت. در سال ۱۳۶۹ ق (۱۳۲۹ ش) به حوزه علمیه قم بازگشت و پس از طی سطوح عالی به در محضر آیات: سلطانی طباطبایی و منتظری، به فراگیری خارج فقه و اصول و فلسفه در محضر آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، مرعشی نجفی و علامه طباطبایی پرداخت. در سال ۱۳۸۳ ق (۱۳۴۳ ش) به زادگاهش بازگشت و به تألیف و تدریس سطوح عالی و اقامه جماعت اشتغال جست و همزمان به مبارزه علیه رژیم ستمشاهی و هدایت افکار مردم

و پشتیبانی از نهضت امام خمینی پرداخت و همواره آتش قیام را شعله ورنگاه داشت تا اینکه در سال ۱۳۵۷ ش. دستگیر و به تهران منتقل شد که با تحصن و اعتراض علما و مردم بابل، به زودی آزاد گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به نمایندگی امام خمینی و امامت جمعه بابل منصوب و برای سه دوره پیاپی از سوی مردم استان مازندران به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری برگزیده شد، که تا پایان عمر مبارکش بر این سمت بود. وی در سال های سخت جنگ تحمیلی، بارها به جبهه رفت و مدت های بسیار در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و بازسازی شهر سوسنگرد را بر عهده گرفت (که با کمک مردیم متدین استان مازندران، این کار را در کوتاه ترین زمان به انجام رسانید) و به همین منظور خانه خود را فروخت و پولش را به حساب جبهه واریز کرد.

وی در مدت اقامت خویش توفیق یافت مدرسه علمیه خاتم الانبیا (صدر اعظم) را از نو بنیاد نهاد و بخشی از موقوفات آن را از دست غاصبان بدر آورد و کتابخانه معظم و باشکوهی - در کنار آن - و جامعه الزهراء - ویژه بانوان - را تأسیس نمود. او برخوردار از زندگی ساده و بی پیرایه و روحیه زهد و قناعت بود و خانه اش، همان خانه ساده وی در روستای «کله بست» بود؛ بدون آنکه حتی قسمتی بر آن بیافزاید. نماز جماعت مغرب و عشا را هم در مسجد همان روستا به جای می آورد و از انتقال خانه و مسجدش به شهر، پرهیز کرد. در مقابل منکرات و بدعت های دینی، سخت برمی آشفست و از حریم دین حمایت می کرد.

برخی از تألیفات چاپ شده وی - به غیر از تقریرات درس اساتیدش - عبارتند از:

۱. نگاهی به مسأله ولایت.
 ۲. قطره در تفسیر سوره حمد.
- و آثار چاپ نشده اش:

- ۲۰- آرامش (مجموعه شعر).
 ۲۱- تابوت (مجموع شعر).
 ۲۲- وداع (مجموعه شعر).
 ۲۳- پیروز (مجموعه شعر).
 ۲۴- شعرهای شهادت.
 و کتاب های چاپ نشده اش عبارتند از:
 ۲۵- تفسیر سوره بقره.
 ۲۶- تفسیر سوره آل عمران (نا تمام).
 ۲۷- تفسیر سوره مدثر.
 ۲۸- تفسیر سوره علق و قدر.
 ۲۹- بحث های محرم: اضطراب به حجت، احیای امر اهل بیت، عظمت مصائب امام حسین، شرح ادعیه حضرت زهرا، معرفت دینی و جامعه دینی و حکومت دینی.
 ۳۰- پیام به فرزندان. او به هنگام بلوغ فرزندان نامه هایی به آنان نگاشته که در آنها بر بینش ها و گرایش ها (بینات)، کتاب و میزان)، سلوک و اخلاق، رضا و رضوان، عمل و تمامیت و سلامت و بحران عمل تکیه کرده و توضیح داده است.

سرانجام آن مرحوم، در سحرگاه روز سه شنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۷۸ ش (۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۰ ق) در حالی که به عادت همیشگی اش برای زیارت مرقد مطهر امام هشتم (ع) عازم مشهد مقدس بود، همراه سه تن از دوستانش بر اثر سانحه تصادف بدرود حیات گفت و به موالیان ظاهرینش پیوست. پیکر پاکش در عصر چهارشنبه پس از یک تشییع با شکوه و نماز آیت الله سید مهدی روحانی بر آن نزدیک قبر فرزند شهیدش، در گلزار شهدای قم، به خاک سپرده شد.

*

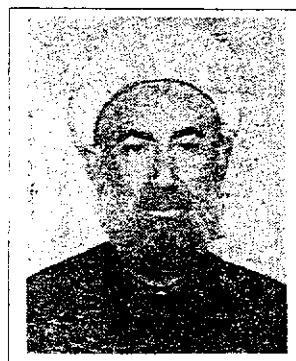
۳. معاد در اسلام.

۴. خانواده و تربیت فرزند در اسلام.

وی پس از عمری خدمت به اسلام و انقلاب اسلامی، سرانجام در صبح دم چهارشنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۷۸ ش. (۳ رجب‌الخیر ۱۴۲۰ ق.) سالروز وفات حضرت امام هادی (ع) در ۷۶ سالگی بدرود حیات گفت و به موالیان طاهرینش پیوست. با اعلام خبر وفاتش در استان مازندران، ۳ روز عزای عمومی اعلام و سراسر شهر بابل سیاهپوش گردید و پیکر پاکش، صبح روز جمعه ۲۳ مهر بر روی دست هزاران نفر از علما و مردم استان تشییع و پس از نماز آیه‌الله سید جعفر کریمی در حیاط مدرسه خاتم‌الانبیاء به خاک سپرده شد و عالمی از علم و تقوا را با خود به خاک برد.

*

حجة الاسلام اسلامی آبادانی



عالم ربّانی حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالستار اسلامی - طاب ثراه - یکی از علمای مشهور آبادان به شمار بود.

فقید سعید در سال ۱۲۸۴ ش (۱۳۲۷ ق) در هندیجان - از توابع بهبهان - زاده شد. پدرش مرحوم علامه شیخ محمد غروی بهبهانی (م ۱۳۶۰ ق)، از شاگردان بنام آیت الله سید محمد کاظم یزدی و وکیل مطلق ایشان در بهبهان و نواحی اطراف آن بوده است. معظّم له، پس از فراگیری خواندن و نوشتن و مقدمات علوم، در ۱۲ سالگی (۱۳۳۹ ق) به همراه پدر به نجف اشرف مهاجرت کرد و پس از فراگیری سطوح

یکباره از دست داد و به قم مهاجرت کرد و پس از زمانی، بیماری وی را از پای انداخت و خانه نشین شد، اما همواره زبانش شاکر و قلبش راضی و در خانه اش به روی همه باز بود.

برخی از آثار آن مرحوم عبارتند از:

۱. المهدی (عج) و صفاته (۲ جلد).
 ۲. الدر الثمین فی المنتخب من البیان والتبیین.
 ۳. ایقاظ الانام عن خرافات العوام.
 ۴. اربعین حدیث.
 ۵. ترجمه منتخب الاثر (از آیت الله صافی).
 ۶. کشکول بدیع (۳ جلد).
 ۷. حاشیه بر کتاب های بسیار (که نشانگر اطلاعاتش در تاریخ، حدیث، لغت، کتابشناسی رجال و تراجم و شعر عربی است).
- سرانجام آن عالم بزرگوار در روز اربعین حسینی (۲۰ صفر ۱۴۲۰ ق، مطابق ۱۵ خرداد ۱۳۷۸ ش) در ۹۳ سالگی بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع و نماز آیت الله صافی گلیاگانی بر آن، در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.

*

آیه الله عالمی



آیه الله حاج شیخ محمد علی عالمی دامغانی، از علمای مشهور سمنان در سال ۱۳۴۶ ق (۱۳۰۶ ش) در روستای «حجاجی» دامغان دیده به جهان گشود و پس از تحصیلات نخستین، در

عالیه (مکاسب و کفایه) نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی، به درس خارج آیات عظام: آقا ضیاء عراقی، میرزای نائینی و بیش از همه به درس فقه و اصول آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و پس از درگذشت پدرش، به نمایندگی از سوی آیت الله اصفهانی به نواحی اطراف آبادان آمد و بیش از سی سال در میان آنان با اختلاف سلیقه های شان - از عرب و عجم و شیعه و سنی و اصولی و اخباری - به سر برد و مشکلات دینی آنان را حل و فصل کرد. سپس به علت ضعف مزاج و بیماری های پی در پی به آبادان کوچید و به اقامه جماعت (سال ۱۳۴۵ ش) در مسجد صاحب الزمان و تألیف و بنیاد و تعمیر مساجد و ترویج شعائر دینی پرداخت. او از بسیاری از علمای قم و نجف اجازات متعدد روایی و اجتهادی و امور حسبیه داشت، که برخی از ایشان عبارتند از آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی (اجازه اخیر بسیار مفصل و حاوی مطالب ارزنده است).

وی حافظه ای قوی داشت و بر ادبیات عرب و عجم بسیار مسلط بود و از تاریخ، لغت، شعر، حدیث و فقه اطلاعاتی فراوان داشت. هر کتابی را که می خواند بر آن حاشیه می نوشت و کمتر کتابی در کتابخانه وی هست که بر آن حاشیه ای ننوشته باشد. زندگی اش ساده و روحیه اش قانع و به کمترین بهره از دنیا اکتفا کرده بود و هر شب، پس از نماز جماعتش بر منبر می شد و به بیان تفسیر و حدیث می پرداخت. در جریان جنگ تحمیلی، هر آنچه را از دنیا اندوخته بود - از خانه و کتابخانه و اساس زندگی - به

مکتب‌خانه، وارد مدرسه علمیة دامغان شده و به فراگیری ادبیات و مقدمات پرداخت. سپس راهی همدان شد و در مدرسه علمیة آخوند سطوح عالیہ را فراگرفت و سالیانی چند از درس خارج آیة اللہ آخوند ملاعلی معصومی همدانی بهره برد. در سال ۱۳۳۱ ش. رهسپار قم شد و از خرمن علم و دانش آیات عظام: بروجردی، امام خمینی، گلپایگانی، محقق داماد و علامه طباطبائی توشه فراوان برگرفت و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. معظم له در سال ۱۳۴۲ ش. بنا به توصیه مرحوم آیة اللہ العظمی گلپایگانی رهسپار سمنان شد و به ترویج دین و تبلیغ احکام الهی پرداخت و آتی از تألیف و تدریس و وظایف اجتماعی خویش نیاسود. وی همگام با قاطبه علما و مراجع تقلید، در مبارزه با رژیم شاه نقش فعال داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خود سرپرستی بسیاری از نهادهای انقلابی را بر عهده گرفت. همزمان به اقامه نماز جمعه و تدریس در مراکز عالی حوزه و دانشگاه و نیروهای نظامی و انتظامی پرداخت و سهمی بزرگ در حفظ و حراست از باورهای دینی و انقلابی مردم به خود اختصاص داد و تمام وقتش را در تألیف و تدریس و اقامه جماعت (در مسجد جامع سمنان) گذراند و نمایندگی مردم استان را در مجلس خبرگان رهبری بر عهده داشت.

برخی از تألیفات وی، عبارتند از:

۱. پیغمبر و یاران (ج ۵).
۲. شاگردان مکتب ائمه - علیهم السلام - (ج ۳).
۳. جامع الفروق.
۴. جوانان چه می پرسند؟
۵. حسین (ع) نفس مطمئنه.
۶. صحنه‌هایی از قیامت (ترجمه «مشاهد القیامة» نوشته سید قطب). آماده چاپ است.

۷. رساله در رضاع.

۸. رساله در ارث و زوجه.

۹. شرح عروة الوثقی.

۱۰. تقریرات درس اساتیدش در قم.

معظم له، در غروب پنجشنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۴۲۰ ق (۱۸ شهریور ۱۳۷۸ ش) در ۷۲ سالگی بدرود حیات گفت و با درگذشتش موجی از غم و اندوه بر شهر سایه افکند و صدای قرآن از مأذنه مسجد جامع برخاست و پیکر پاکش در صبح روز شنبه، پس از تشییع در خور و شایسته در قبرستان عمومی شهر به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری قمی

دکتر مجتبی



استاد دکتر جلال الدین مجتبی از اساتید گرانقدر دانشگاه تهران و پژوهشگران برجسته علوم عقلی در ۷۳ سالگی زندگی را بدرود گفت.

سید جلال الدین مجتبی فرزند مرحوم حجة الاسلام سید موسی تهرانی، در سال ۱۳۴۷ ق. مطابق با ۱۳۰۷ ش. در تهران متولد گردید. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، دوره لیسانس را در رشته فلسفه و علوم تربیتی به پایان برد، سپس با شرکت در امتحانات ورودی دوره دکترای فلسفه و اتمام تحصیلات این دوره در سال ۱۳۴۶ ش موفق به اخذ درجه دکترا در علوم عقلی از دانشگاه تهران گردید. از جمله اساتید ایشان در این رشته می توان به آقایان: شیخ محمد حسین فاضل تونی،

سید محمد کاظم عصّار، دکتر علی اکبر سیاسی (در روان شناسی)، دکتر غلامحسین صدیقی (در جامعه شناسی)، دکتر صادق رضازاده شفق تبریزی (در فلسفه غرب)، آقای دکتر یحیی مهدوی تهرانی (در فلسفه غرب) و استاد شهید مرتضی مطهری (در فلسفه اسلامی) اشاره کرد.

استاد پس از اخذ مدرک دکتری در گروه فلسفه به تدریس اشتغال ورزید و مدت ۹ سال تادی ۱۳۷۲ ش. ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مدیریت گروه فلسفه این دانشکده را عهده دار بود و در مهر سال ۱۳۶۷ ش. به عنوان استاد ممتاز معرفی شد.

آثار قلمی دکتر مجتبی بیشتر ترجمه از دوزبان انگلیسی و عربی می باشد، و نیز مقالات متعدد تحقیقی از او در مجلات مختلف به ویژه مجله دانشکده ادبیات و نشریه اختصاصی گروه فلسفه به چاپ رسیده است.

کتاب های چاپی او به شرح زیر می باشد:

- ۱- فلسفه یا پژوهش حقیقت (ترجمه).
- ۲- کلیات فلسفه (ترجمه - همراه با توضیحات و افزوده ها و انتقاد).
- ۳- فلسفه یونان و روم (ترجمه)، در چند جلد.
- ۴- بنیاد حکمت سبزواری (تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملا هادی سبزواری)، (ترجمه).
- ۵- منطق و فلسفه (کتاب درسی دبیرستان ها - رشته فرهنگ و ادب).
- ۶- علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)، ۳ جلد، کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ ش.
- ۷- برگزیده علم اخلاق اسلامی. (خلاصه ترجمه جامع السعادات)
- ۸- ترجمه و توضیح قرآن حکیم. به عقیده صاحب نظران از بهترین ترجمه های قرآن مجید به شمار می رود.

در دانشگاه تهران و دانشگاه ملی به تدریس پرداخت و جمع زیادی از طلاب و دانشجویان را تربیت نمود. آنگاه در سال ۱۳۴۷ ش. اقدام به تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه ملی - دانشگاه دکتر بهشتی - نمود و مدت ده سال ریاست آن دانشکده را بر عهده گرفت.

شهرت ادبی دکتر رعدی از همان سال های اوّل تحصیل دبیرستان آغاز شده و این شهرت را بیشتر مرهون شعر (نگاه) است که به برادر بی زبانش هدیه کرده است. این شعر را در آن زمان همه پسندیدند و بر زبان ها افتاد و بسیاری از خاورشناسان آن را ترجمه کردند. این قصیده از حیث زیبایی و تازگی مضمون یکی از آثار برجسته شعر معاصر فارسی به شمار می رود. از ویژگی های استاد رعدی: انس و الفت با دانشمندان، شجاعت و صراحت لهجه و در عین حال رقت و دقت و مهربانی بود. وی علاوه بر شماری از آثار قلمی به صورت کتاب و جزوه، دارای مقالات و سخنرانی ها و اشعار فراوانی است که در روزنامه ها و مجلات ادبی و علمی مهم نیم قرن اخیر به چاپ رسیده است.

آثار چاپ شده استاد به شرح زیر است:

۱. **مسمط نوروزیه** (اشعار)، ۱۳۱۲ ش، چاپ تبریز.
۲. **پنج آینه**، شامل مثنوی های سیاسی و غیره، ۱۳۵۸ ش، ۴۱۶ ص.
۳. **نگاه** (مجموعه اشعار برگزیده)، ۱۳۶۴ ش، نشر گفتار تهران، ۶۹۶ ص.
۴. **رستاخیز ادبی ایران**، چاپ تبریز، ۳۷ ص.
۵. **پرواز (شعر)**، ۱۳۴۴ ش، تهران.
۶. **جهان بینی فردوسی**.

استاد رعدی پس از عمری خدمت اجتماعی و سال ها تلاش و پژوهش سرانجام در روز یکشنبه ۲۵ ربیع ثانی ۱۴۲۰ ق مطابق با ۱۷ مرداد ۱۳۷۸ ش در ۹۳ سالگی، در تهران زندگی را بدرود

دبیرستان فردوسی به پایان برد. و نظر به اینکه شاگرد ممتاز و برازنده دبیرستان بود همواره مورد تشویق و توجه اساتید واقع می شد. در سال ۱۳۰۶ ش. به تهران رهسپار شد و از دانشکده حقوق و علوم سیاسی لیسانس گرفت. در سال ۱۳۱۲ ش. به خدمت وزارت معارف درآمد و چندی به سمت دبیر ادبیات به تبریز رفت. پس از بازگشت به پایتخت، به ترتیب: مدیریت کتابخانه فنی وزارت فرهنگ، ریاست اداره کل نگارش، سرپرستی مجله «آموزش و پرورش» و ریاست هیئت تحریریه روزنامه «ایران» را عهده دار شد. وی در امر ایجاد فرهنگستان ایران با استاد محمدعلی فروغی و استاد علی اصغر حکمت همکاری کرد، و مدتی ریاست دبیرخانه فرهنگستان را بر عهده داشت.

استاد رعدی در آبان ۱۳۱۵ ش. عازم پاریس شد و به تحصیل خود ادامه داد. مدتی چندنیز در ژنو تحصیل کرد و سرانجام در رشته حقوق بین الملل و ادبیات تطبیقی دکترا گرفت، و در سال ۱۳۲۰ ش. به ایران بازگشت، و در وزارت فرهنگ مشغول کار شد و تا مدیر کل وزارت ارتقا یافت. در سال ۱۳۲۱ ش. به عضویت فرهنگستان ایران درآمد.

در سال ۱۳۲۴ ش. برای شرکت در سازمان تربیتی و فرهنگی و علمی بین المللی (یونسکو) نامزد شد و به اتفاق استاد حکمت به انگلستان رفت، و سپس به نمایندگی ایران در کمیسیون مقدماتی آن سازمان انتخاب و به نیابت ریاست سازمان منصوب شد. و پس از یکسال به ریاست هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس یونسکو در پاریس شرکت کرد و تا سال ۱۳۴۲ ش. با داشتن عنوان وزیر مختاری و بعد سفیر کبیری، به سمت نماینده ثابت و دائمی ایران در انجمن مزبور به خدمت اشتغال داشت. دکتر رعدی، پس از مراجعت به ایران

۹- تاریخ فلسفه کاپلستن (ترجمه) کتاب برگزیده سال ۱۳۶۳ ش.

استاد پس از عمری تدریس و اشاعه فرهنگ اسلامی سرانجام در بامداد روز جمعه ۸ مرداد ۱۳۷۸ ش. مطابق با ۱۶ ربیع ثانی ۱۴۲۰ ق. در تهران به رحمت ایزدی پیوست. پیکرش صبح روز شنبه از مقابل دانشگاه تهران تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

*

دکتر رعدی آذرخشی



دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی، از چهره های به نام فرهنگ و ادب ایران زمین بود که بر اثر کهنولت سن زندگی را بدرود گفت.

وی در سال ۱۳۲۷ ق مطابق با مهر/ ۱۲۸۸ ش در شهر تبریز متولد شد. پدرش میرزا محمدعلی افتخار لشگر (درگذشته ۱۳۱۵ ش) و نیاکانش از مستوفیان آشتیانی بودند که در عهد فتحعلی شاه قاجار به تبریز مهاجرت کردند.

استاد رعدی درباره شعر سرایی اش، می نویسد: «به خاطر ندارم که قبل از ده سالگی شعری گفته باشم، ولی می توانم ادعا کنم که این دوره از حیات من دوره احساس و کنجکاو و تخیل بود. و شاید بیشتر از سایر ادوار زندگانیم با شعر، متها (شعر ساکت) سرو کار داشته است».

رعدی در هفت سالگی به دبستان رفت، و با ورود به دبستان، تحول جدیدی در زندگانی معنوی او آغاز گردید. سپس تحصیلات متوسطه را در

گفت و پیکرش در قبرستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

*

آیه الله مدرسی یزدی



آیت الله سید محمد مدرسی طباطبائی از معاریف و بزرگان معاصر استان یزد، در پی بیماری و کهولت سن در ۸۴ سالگی در یکی از بیمارستان های تهران جهان فانی را وداع گفت.

وی در ۶ صفر ۱۳۳۵ ق. در دارالعباده یزد قدم به عرصه گیتی نهاد. پدرش علامه سید احمد (۱۲۹۵-۱۳۸۰ ق) فرزند سید محمد مدرسی طباطبائی، از دانشمندان و مدرسان توانای یزد بود که سلسله نسبش با چندین واسطه به حضرت حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی (ع) می رسد.

مرحوم آقا سید محمد مدرسی پس از طی پله های مقدماتی دانش، دروس ادبی را نزد سید حسین فقیهی و شیخ مرتضی مشائی آموخت. سپس دروس سطح را از محضر اساتیدی چون: پدر ارجمند خود، میر سید علی مدرسی، میرزا آقا محمد صادق مدرسی، سید حسین باغ گندمی و شیخ غلامرضا فقیه خراسانی بهره مند گردید.

آنگاه در حدود سال ۱۳۵۷ ق. به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سالی چند از محضر آیتین علمین: میرزا محمد همدانی (ثابتی) و سید محمد تقی خوانساری به فراگیری دروس عالی حوزه همت گماشت.

ایشان در حدود سال ۱۳۶۰ ق به زادگاهش بازگشت، و تدریس متون کتب درسی، بیان احکام و نکات تفسیری و

علامه عندلیب زاده همدانی



حضرت حجة الاسلام والمسلمین سخنور توانا حاج شیخ حسین عندلیب زاده، از محققان برجسته معاصر، در سن ۹۴ سالگی به ملکوت اعلا پیوست.

وی در سال ۱۳۲۶ ق مطابق با ۱۲۲۸۷ ش در اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش حجة الاسلام شیخ محمد تقی عندلیب فرزند شیخ محمد، از ذاکران و ارباب فضل بود. اصل ایشان از شیراز است و از دودمان بیات که چندی در اصفهان و سرانجام به همدان نقل مکان کرد.

شیخ حسین در سن کودکی همراه خانواده اش به همدان رفت. در کودکی به تحصیل علوم دینی رو آورد و بخشی از ادبیات عرب و کتاب مطول رانزد علامه شیخ موسی فقیهی آموخت. علم رجال و درایه را نزد آیه الله شیخ علی دامغانی و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ ابراهیم آیه الله زاده، شیخ محمد فیاض و میرزا محمد حجت دریایی و آخوند ملاعلی همدانی (معصومی) استفاده نمود.

در ضمن دوره دبیرستان را به پایان برد و جهت ادامه تحصیلات دانشگاهی رهسپار تهران شد و در دانشکده معقول و منقول (رشته عظم و خطابه) به دریافت لیسانس نایل گردید. آنگاه به همدان بازگشت و به انجام فعالیت های مذهبی و فرهنگی همت گمارد، و در مسجد حاجی به اقامه جماعت و هدایت مردم پرداخت.

ایشان به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی و انتقادهای مکرر و علنی به شهرستان پاوه

ترویج مذهب را پیش گرفت و در سال ۱۳۸۲ ق. رسماً به عنوان مدرس (بقعه اسحاقیه) مدرسه مصلا معرفی شد. شاگردپروری و تدریس این رادمرد تا سال ۱۴۱۷ ق. ادامه داشت و طلاب بی شماری را تربیت و تدریس نمود.

وی در تابستان سال ۱۳۵۹ ش. اولین نماز جمعه را در شهر یزد به طرزی باشکوه برپا نمود و مدت دو دهه این فریضه را در حومه شرقی یزد ادامه داد که از این راه مردم را بیش از پیش با فرهنگ نماز آشنا ساخت.

از دیگر آثار ایشان ساخت ۵۳ واحد مستقل مسکونی برای روحانیان است. نیز تأسیس حوزه علمیه ای پُررونق در روستای طزرجان را می توان نام برد.

این روحانی گرانقدر کاملاً مورد توجه و اعتماد بزرگان حوزه ها قرار داشت و اجازات متعددی از آنان کسب نمود، که می توان به اجازات حضرات آیات: میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمدرضا گلپایگانی، اشاره کرد. از آثار قلمی اش تفسیر سوره حمد است که با طرز زیبایی و به طور جامع و مختصری آن را نوشته است. این تفسیر همراه با یادگار نامه اش در دست چاپ می باشد. شایان یادآوری است که جزوه ای در معرفی احوالات ایشان نیز با نام «پسر شهر عشق» به قلم فرزند فاضل و گرامی اش به چاپ رسیده است.

آیت الله مدرسی عاقبت در بامداد روز یکشنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۴۱۹ ق. مطابق با ۲۳ اسفند ۱۳۷۷ ش. در تهران درگذشت. پیکرش عصر همان روز در قم تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی (دام ظلّه) جهت انجام مراسم خاکسپاری به یزد انتقال داده شد و در جوار امامزاده جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

*

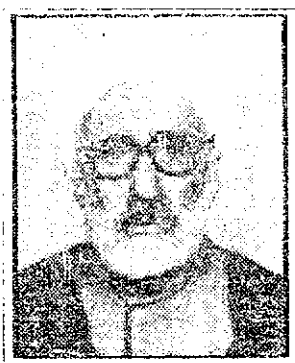
و بیان احکام الهی از کارهای روزانه اش بود. وی در آن منطبقه نمایندۀ آیه اللّٰه حکیم شد و پس از ایشان سمت نمایندگی آیه اللّٰه خوبی را عهده دار بود.

از او کتابی به نام لآلی البحار که برگزیده ای است از احادیث معتبر بحار الانوار در چند دفتر به جای مانده است؛ امید می بریم هر چه زودتر این اثر ارزشمند منتشر شود.

روز شنبه ۶ صفر ۱۴۲۰ ق. مطابق با اول خرداد ۱۳۷۸ ش. در شهر خانقین آخرین صفحۀ زندگی مرحوم شبر به پایان رسید. روز بعد پیکرش پس از دای نماز میت توسط فرزند فاضلش، سید عباس شبر به نجف اشرف انتقال داده شد و پس از ادای مجدد نماز میت بر پیکرش توسط آیه اللّٰه سید محمد سعید طباطبایی حکیم در قبرستان بزرگ وادی السلام به خاک سپرده شد. مراسم تجلیل و ترحیم متعددی در کشورهای عراق، ایران، هلند و... برگزار شد.

عبدالحسین جواهر کلام

حجة الاسلام والمسلمین فاضل بخشایشی



حجة الاسلام والمسلمین مرحوم میرزا حسین فاضل بخشایشی یکی از این چهره های پربرکت و عالم وارسته بود که دقیقاً شصت سال تمام پس از فراغت از تحصیل در شهر بخشایش از توابع تبریز مشغول خدمات دینی و علمی بودند بی آنکه کوچکترین تمناً و توقع از دولت یا

تولدش در سال ۱۳۲۹ ق. مطابق با ۱۲۹۰ ش. در نجف اشرف اتفاق افتاد. پدرش آیه اللّٰه سید ابراهیم شبر (۱۳۰۸-۱۳۸۷ ق) از فقها و مشاهیر حوزه علمیه نجف اشرف بود و نسب مرحوم سید ابراهیم شبر با سه واسطه به دانشمند و محقق گرانسنگ قرن سیزدهم، سید عبدالله حسینی شبر (۱۱۸۸ نجف- ۱۲۴۲ ق کاظمین) می رسد.

وی پس از فراگیری مقدمات و ادبیات به تحصیلات دوره سطح پرداخت. اساتیدش این دوره عبارت بودند از: پدر ارجمند خود، سید صادق آل سید یاسین، سید عبدالرزاق مرقم و سید حمود حلّی. ایشان در حدود سال ۱۳۶۰ ق. به سامرا رهسپار شد و درس خارج را به مدت دو سال از محضر آیه اللّٰه میرزا محمود شیرازی استفاده نمود. آنگاه به زادگاهش بازگشت و چندی از آیه اللّٰه سید ابوالقاسم خوئی بهره مند گردید. سپس به حوزه علمیه کربلا پیوست و دروس فقه را از محضر آیات: حاج آقا حسین طباطبایی قمی، میرزا مهدی شیرازی، شیخ محمد خطیب حائری، سید عبدالحسین حجت حائری و شیخ محمدرضا جرقوه ای اصفهانی و درس اصول را از محضر آیه اللّٰه سید محمد هادی میلانی استفاده نمود.

علامه شبر در سال ۱۳۸۱ ق. به منطقه دغاوه- از توابع دیوانیه- جهت ارشاد و هدایت مردم رهسپار آنجا شد و پس از ارتحال پدر خود- سال ۱۳۸۷ ق- به شهر خانقین رفت و سال های متمادی به انجام سایر امور مذهبی مردم آن دیار اشتغال داشت.

مرحوم شبر علاوه بر ارشاد و هدایت و ایراد سخنرانی های مذهبی، در حل و فصل مسایل عشائری نقش برجسته ای ایفا نمود. همچنین اقامه نماز جماعت، وعظ

تبعید شد و پس از طی دوران محکومیت به همدان مراجعت نمود. پس از پیروزی انقلاب حدود ده سال به سمت امام جماعه موقت همدان، مشغول خدمات مذهبی و اجتماعی گردید. برخی از آثار قلمی ایشان بدین شرح است:

۱. اربعینیات: گردآوری چهل حدیث از هریک از معصومین (ع) و اشاره به زندگی آن بزرگواران همراه با ترجمه و شرح احادیث.

۲. ثارالله: در احوالات و قیام امام حسین (ع) (چاپ شده)

۳. شرح حال آخوند ملاعلی همدانی.

۴. تاریخ همدان و دانشمندان: این اثر به چند جلد بالغ شد.

۵. دائرة المعارف غرب ایران.

۶. تقریرات فقه آخوند ملاعلی همدانی.

این فاضل گرانمایه بر اثر کھولت سن و بیماری عمومی در روز پنجشنبه ۱۲ جمادی ثانی ۱۴۲۰ ق. مطابق با اول مهر ۱۳۷۸ ش. در همدان دارفانی را وداع گفت. پیکرش در میان انبوه مردم سوگوار استان همدان در جوار شاهزاده حسین (ع) به خاک سپرده شد. از سوی مقامات دولتی در استان همدان، به پاس خدمات علمی و فرهنگی آن فقید سعید یک روز عزای عمومی اعلام شد.

*

آیه اللّٰه شبر نجفی



آیه اللّٰه حاج سید محمد شبر از دانشمندان و بزرگان شهر خانقین عراق بر اثر کھولت سن، در سن نود سالگی دارفانی را وداع گفت.

ملت داشته باشد. او معلومات خود را از محضر آیات عظام وقت آذربایجان، آقایان حاج میرزا محمود دوزدوزانی آیه الله میرزا فتاح شهیدی و مرحوم حاج میرزا محمد توتونچی و دیگران فرا گرفته بود.

شادروان فاضل بخشایشی فردی آرام و ساکت و فرد خدمتگزار و دل بسته به مکتب مقدس اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بودند.

او از سال ۱۳۶۰ هـ تا ۱۴۲۰ دقیقاً شصت سال با داشتن امامت دائمی جماعت شهر در خدمت منبر و افاضه و بیان حدیث و احکام الهی بود.

او در علم هیئت قدیم اطلاعات عمیقی داشت و گاهی از این مقوله ها سخن می گفت. تنها اثر بیجا مانده از آن شادروان کتابی است منظوم به نام «الدرر المناضد فی شرح القصائد» می باشد که مجموعه شعر عربی اهداء به ساحت

قدس حضرت ولی عصر (عج) می باشد. در این منظومه از اصطلاحات هیئت قدیم فراوان بهره برداری نموده است.

شادروان فاضل بخشایشی با عمری پربرکت نزدیک به نود سال در ۲۵ رجب ۱۴۲۰ هـ مطابق دهم آبان ۱۳۷۸ از دنیا رفت، و در قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد و وحش شاد.

عقیقی بخشایشی

فرهنگی

گزارشی از پانزدهمین

نمایشگاه بین المللی کتاب سوریه

امسال برای پانزدهمین بار، نمایشگاه بین المللی کتاب سوریه از تاریخ ۱۵ تا ۲۵ سبتمبر ۱۹۹۹، مطابق با ۲۴ شهریورماه تا ۴ مهرماه ۱۳۷۸ در دمشق برگزار شد.

این نمایشگاه نزد ناشران عرب از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

مسئولین نمایشگاه به لحاظ استقبال ناشران داخلی و خارجی با کمبود جا مواجه شده بودند برای حل این مشکل پارکی که خارج از محل مکتبه الاسد بود، در اختیار نمایشگاه کتاب قرار گرفت و تعدادی از غرفه ها در آن محل استقرار یافتند.

ترتیب غرفه ها بر اساس حروف الفبای نام به ثبت رسیده مؤسسه انتشاراتی بود و به تناسب نیاز ناشر غرفه ها به اندازه های مختلف تنظیم و در اختیار آنان قرار می گرفت. غرفه ها از ۳ متر تا ۲۴ متر بودند. در این نمایشگاه تعدادی از ناشرین فقط منشورات خودشان را ارائه می نمودند و بعضی، از دیگر ناشران خارجی و یا داخلی نمایندگی داشتند، و

عموماً در تابلوی معرفی نام ناشر، نام مؤسساتی که از طرف آنان وکالت داشت نیز ثبت شده بود. دسته سوم از ناشران علاوه بر منشورات خود، منشورات دیگران را نیز می فروختند.

در این نمایشگاه کشورهای سوریه، لبنان، مصر، لیبی، تونس، اردن، مغرب، قطر، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده، ایران، ترکیه و سودان حضور داشتند. سفارت خانه ها و مراکز فرهنگی کانادا، ایران، عربستان سعودی، انگلیس، آلمان، فرانسه، لبنان، به چشم می خورد. بعضی از کشورها مانند عربستان سعودی و کویت فقط کتاب های خود را به نمایش گذاشته بودند، و کشور عربستان سعودی هر چند روزیک بار به بازدیدکنندگان قرآن هدیه می داد. ساعت کسار نمایشگاه برای بازدیدکنندگان، صبح ها از ساعت ۹ تا ۱۳ و بعد از ظهرها از ساعت ۵ تا ۱۰ شب بود. یکی از کارهای خوب نمایشگاه، تهیه و عرضه فهرست کتاب های قابل ارائه و فروش در نمایشگاه، در دو جلد بود. در این فهرست اطلاعات خوبی درباره کتاب

موجود وجود داشت که در تهیه کتاب بسیار مفید بود. این فهرست حاوی نام کتاب، نام مؤلف یا محقق یا مترجم، ناشر، محل نشر، سال نشر، نام ناشر، فروشنده، تعداد صفحه ها و قیمت کتاب بود.

امسال قیمت ها بین ۱۵٪ تا ۲۰٪ نسبت به سال گذشته افزایش داشت. دولت سوریه هم هیچ نوع نظارت بر قیمت کتاب نداشت. بنابراین بعضی از ناشرین حتی بیش از ۲۰٪ افزایش قیمت داشته و بعضی کتاب ها را به همان نرخ سال گذشته عرضه می داشتند. در مجموع، ناشران از ۱۰٪ تا ۴۰٪ تخفیف می دادند.

محل نمایشگاه در حیاط مکتبه الاسد بود که با پوشاندن سقف آن با چادر جهت جلوگیری از باد و احیاناً باران در نظر گرفته شد بنابراین به لحاظ استفاده بهینه از مکان های موجود در مکتبه الاسد از سالن و راهروهای موجود برای غرفه استفاده شده بود. امسال به لحاظ استقبال بیشتر ناشران داخلی و خارجی قسمت مقابل مکتبه الاسد که پارک بوده با قطع کردن